



دانشگاه فاردسہ

مدیریت تحصیلات تکمیلی

دانشکده کشاورزی

گروه اقتصاد کشاورزی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد کشاورزی

تعیین رابطه بین متغیرهای اقتصاد کلان و درآمد بخش کشاورزی

استاد راهنما:

دکتر ماشاءاله سالار پور

استاد مشاور:

دکتر محمود صبوحی صابونی

تهیه و تدوین:

هادی ربیعی

تقدیم به ...

مهرباترین فرشتگانی که عاشقانه ترین غزل زندگی ام بوده اند

زیباترین وارثگان هستی ام

آنان که تندیس فداکاری و مهرند

آنان که تمام عالم، مبهوت عشق آسمانی آنهاست

پدر و مادرم

که مهرباترین همراه جوانی ام بوده اند

و هر آنچه اکنون دارم شمره برکت حضور پر مهر آسمانی آنهاست

و

برادران و خواهر عزیزتر از جانم

که طراوت بخش سکوت زندگانیم هستند.

به نام یگانه خالق هستی

به نام آن که یادش دلگرمی راه است و دید آسمانی اش همراه بس صمیمی.

اکنون که با لطف الهی و مساعدت و راهنمایی استاد بزرگوار، نگارش پایان نامه اینجانب خاتمه یافته است به رسم ادب بر خود لازم می دانم تا از همه بزرگوارانی که در طول دوران تحصیل و تحقیق، بنده حقیر را مهربون لطف خویش ساخته اند، تقدیر و تشکر نمایم:

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر ماشاء الله سالار پور که در طول تحقیق، راهنمایی اینجانب را بر عهده داشتند و از رهنمودهای ایشان استفاده لازم را برده ام کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از جناب آقای دکتر محمود صبوحی به عنوان استاد مشاور و مدیر گروه که در طول دوران تحصیل، همچون پدری دلسوز مشوق بنده حقیر بودند سپاسگذاری می نمایم.

از جناب آقای دکتر حمید محمدی که داور این تحقیق را بر عهده داشته و از نظرات سازنده ایشان کمال استفاده را برده ام تقدیر می کنم.
از جناب دکتر علیرضا کرباسی و مسعود هیاونی فر که حق استادی برگردن این حقیر دارند و افتخار شاگردی در محضر این استاد را داشته ام کمال تقدیر و تشکر را به جای می آورم.

همچنین از مهندس علیرضا کینجا و وحید دهباشی که در حل این پایان نامه مرایاری کرده اند سپاسگزارم.
از تمامی همکاران عزیز و دوستان که تقدیر کرده و در طول این مدت بهترین دوران زندگی ام را در کنارشان سپری کرده ام کمال تشکر و قدردانی را دارم و از خدای منان برای آنها توفیق بیشتر و کسب درجات و الای موفقیت در درس و زندگی، خواستارم.

هدی ربیعی

بهمن ۸۹

هر کس کلامی به من آموخت مرا بنده خویش ساخت

چکیده

امروزه تصور اقتصادی بدون استفاده از ابزارهای سیاستگذاری و مداخله سیاست‌گذاران تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد، لذا آنچه اهمیت دارد کاهش هزینه‌های ناشی از سیاستها و افزایش کارایی آنهاست. اگر چه تغییرات سیاست کلان داخلی و خارجی می‌تواند اثرات قابل توجه‌ای در بخش کشاورزی برجای گذارد، اما، معمولاً سیاستمداران، سیاستهای اقتصاد کلان را با توجه کمی به تاثیر بر اقتصاد کشاورزی تغییر می‌دهند. در این تحقیق اثرات کوتاه و بلند مدت تغییر در متغیرهای اقتصاد کلان شامل قیمت محصولات کشاورزی، نرخ بهره، نرخ ارز، حجم پول، تولید ناخالص داخلی و یارانه بر درآمد بخش کشاورزی ایران در یک چارچوب همگرایی مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، از رهیافت خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) و مدل خود رگرسیون برداری با داده‌های سالانه 1387-1355 استفاده شد. نتایج برآورد الگو نشان داد که روابط تعادلی بلندمدت بین متغیرهای اقتصاد کلان منتخب و درآمد بخش کشاورزی وجود دارد. نرخ بهره و نرخ ارز، در کوتاه و بلندمدت، به ترتیب، رابطه منفی و مثبت با درآمد بخش کشاورزی دارد، که از لحاظ تئوری قابل انتظار است. همچنین، قیمت محصولات کشاورزی و حجم نقدینگی در بلند مدت اثر منفی، اما در کوتاه مدت اثر مثبت بر درآمد بخش کشاورزی دارند. لذا، کشاورزان از افزایش عرضه پول و قیمت در کوتاه مدت سود برده اما در بلند مدت زیان خواهند دید. علاوه بر این، یافته‌های مطالعه بیان کرد که در بلند مدت تولید ناخالص داخلی اثر منفی بر درآمد بخش کشاورزی دارد. همچنین، یارانه‌های اعطائی به این بخش اثر معنی‌داری بر درآمد کشاورزان در طی سه دهه گذشته نداشته است.

واژگان کلیدی: قیمت محصول، نرخ ارز، نرخ بهره، مدل خود رگرسیون برداری.

فصل اول: مقدمه و کلیات

- 1-1- مقدمه 2
- 1-2- ضرورت تحقیق و بیان مسئله 5
- 1-3- اهداف تحقیق 9
- 1-4- فرضیات تحقیق 9
- 1-5- ساختار تحقیق 9

فصل دوم: مروری بر مطالعات انجام شده

- 2-1- مقدمه 11
- 2-2- مروری بر مطالعات خارجی 11
- 2-3- مروری بر مطالعات داخلی 21

فصل سوم: مواد و روش ها

- 3-1- مقدمه 28
- 3-2- داده های مورد استفاده 28
- 3-3- روش اقتصادسنجی 29
- 3-4- ایستایی متغیر ها 31
- 3-4-1- آزمون دیکی فولر تعمیم یافته 32
- 3-5- هم انباشتگی 33
- 3-5-1- تعریف هم انباشتگی 33
- 3-5-2- آزمون یوهانسون 34
- 3-5-3- تعیین طول وقفه بهینه 37
- 3-5-4- معیار آکائیک 37
- 3-5-5- معیار شوارتز- بیزین 38
- 3-6- آزمون خود توضیح با وقفه های گسترده (ARDL) 38
- 3-7- مدل تصحیح خطا (ECM) 41
- 3-8- آزمون علیت گرنجر 41
- 3-9- تابع درآمد بخش کشاورزی 42


فصل چهارم: نتایج و بحث

- 4-1- مقدمه 50
- 4-2- بررسی روند متغیر ها 50
- 4-3- آزمون ایستایی متغیر ها 53

54	4-4- تعیین طول وقفه بهینه
55	4-5- برآورد تعداد بردار همگرا
56	4-6- برآورد ضرائب بلند مدت الگو
57	4-7- تخمین مدل ARDL
61	4-8- تخمین مدل تصحیح خطا (ECM)
55	4-9- آزمون علیت متغیرها
فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات	
68	5-1- مقدمه
68	5-2- نتیجه گیری
71	5-3- پیشنهادات
74	منابع

- نمودار (4-1). درآمد بخش کشاورزی و درآمد ناخالص داخلی منهای نفت 51
- نمودار (4-2). شاخص قیمت محصولات کشاورزی 51
- نمودار (4-3). نرخ بهره 52
- نمودار (4-4). یارانه اعطائی به بخش کشاورزی 52
- نمودار (4-5). حجم پول (نقدینگی) 52
- نمودار (4-6). حرکت نرخ ارز واقعی 53

جدول (4-1). آزمون ADF جهت تعیین ایستایی متغیر ها	54
جدول (4-2). انتخاب مرتبه VAR	54
جدول (4-3). نتایج آزمون هم انباشتگی آزمون اثر	55
جدول (4-4). نتایج آزمون هم انباشتگی حداکثر مقادیر ویژه	56
جدول (4-5). بردار همگرایی بلند مدت	56
جدول (4-6). نتایج تخمین ضرائب بلند مدت مدل ARDL	57
جدول (4-7). نتایج تخمین ECM	62
جدول (4-8). آزمون علیت انگل گرنجر	65



فصل اول
مقدمه و کلیات

1-1- مقدمه:

بی‌شک تأمین نیازهای حیاتی عمده‌ترین عامل توجه نوع بشر به کشاورزی بوده است. کهن‌ترین تمدن‌های باستانی در مناطقی از جهان شکل گرفتند که از لحاظ موقعیت جغرافیایی و زیست-محیطی در آنها فعالیت کشاورزی امکان‌پذیر بوده است. در حقیقت، سایر بخش‌های اقتصادی به تدریج و با توجه به نیازهای بخش کشاورزی به وجود آمده‌اند (طهرانچیان، 1386).

کمک‌های بخش کشاورزی به روند توسعه اقتصادی، تأمین مواد غذایی، تأمین مواد اولیه بخش صنعت، ایجاد منابع اضافی ارزش خارجی برای واردات کالاهای سرمایه‌ای و اشتغال‌زایی مولد، مبین اهمیت بخش کشاورزی و نقش آن در اقتصاد کشورهای در حال توسعه است (قره‌باغیان، 1373 و نجفی، 1382). این موضوع زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد که ویژگی چند کارکردی بودن کشاورزی و تأثیری که در تأمین توسعه روستایی ایفا می‌کند نیز مدنظر قرار گیرد (فرهادی و مقدسی، 1382). از طرف دیگر، صنعتی شدن نیز می‌تواند، به اشکال گوناگون، بر رشد کشاورزی اثر مثبت داشته باشد، زیرا، در جریان صنعتی شدن، درآمدها به سرعت افزایش می‌یابد که این امر، خود تقاضا برای محصولات کشاورزی، بویژه مواد غذایی را افزایش می‌دهد. لذا اشتغال در مناطق روستایی را افزایش خواهد داد. همچنین، صنعتی شدن، حجم سرمایه در بخش کشاورزی را افزایش می‌دهد که این به نوین کردن¹ کشاورزی و در نتیجه، افزایش تولید کمک می‌کند. لذا، می‌توان ارزش افزوده مجموع بخشهای دیگر اقتصادی را متغیری موثر بر درآمد کشاورزی دانست (کریمی‌خاتون آبادی، 1376).

بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدین دلیل که این بخش در این گروه از کشورها در حال تبدیل شدن از حالت سنتی به تجاری می‌باشد (اقتصاد در حال گذر). این موضوع موجب تقویت پیوند بین کشاورزی و بخشهای دیگر اقتصاد می‌گردد، بطوریکه فعالیتهای تبدیل مواد خام کشاورزی به فرآورده‌های متنوع‌تر مورد تقاضای مصرف‌کننده شهری، افزایش می‌یابد. متقابلاً نیاز بخش کشاورزی به نهاده‌هایی که از خارج از این بخش تولید می‌شود نیز زیاد می‌گردد (نصیری، 1383).

نقش کشاورزی در اقتصاد ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، از این قاعده مستثنی نیست. سهم کشاورزی در اشتغال، تولید ناخالص ملی و صادرات و همچنین تغییرات آن در جریان توسعه اقتصادی ایران منعکس‌کننده درجه وابستگی اقتصاد کشور به کشاورزی و موقعیت کنونی آن بخش کشاورزی است. حدود نیم قرن پیش، بخش نفت از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار نبود و اقتصاد ایران تا حدود زیادی وابسته به کشاورزی بود. بخش عمده‌ای از نیروهای فعال در این بخش اشتغال داشته و سهم بیشتری را نسبت به سایر بخشها در تولید ناخالص ملی در بر می‌گرفت. پس از افزایش قیمت نفت، ایران با شتاب بیشتری به سوی صنعتی شدن پیش می‌رفت. سیاستهای دولت در راستای توسعه بخش کشاورزی منجر به خودکفایی در تولید مواد غذایی ضروری و افزایش صادرات کشاورزی شد که این خود کاهش وابستگی به منابع ارزی حاصل از نفت را فراهم نمود. رسیدن به این مهم، بدون توجه به سیاستهای پولی دولت امکان‌پذیر نمی‌باشد (همان).

همانطور که گفته شد در جریان توسعه اقتصادی، بخش کشاورزی (بویژه در کشورهای در حال توسعه) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از اینرو، اجرای سیاستهای اقتصادی (سیاست پولی، مالی و تجاری) برای هماهنگی با اقتصاد جهانی و استفاده بهینه از منابع محدود و توجه به متغیرهای اقتصاد کلان به عنوان ابزاری برای دولت، ضرورت دارد (همان).

با شتاب گرفتن رشد مناطق شهری بر پایه تولیدات صنعتی، صادرات و فروش منابع طبیعی و در نتیجه جلوگیری از گسترش اختلاف شدید درآمد در مناطق شهری و روستایی روز به روز دشوارتر می‌شود. سرآزیرشدن نیروی کار کم سواد از روستاها به حاشیه شهرها، پیدایش قشر عظیمی از جمعیت بیکار در مناطق شهری و به وجود آمدن نابرابری در سطح درآمدها از پیامدهای طبیعی این روند می‌باشد (ملور، 1383).

البته عوامل پیشگفته در رشد کشاورزی نیز مؤثر است. اما از آنجا که در کشاورزی اکثریت با کشاورزان خرده‌پا می‌باشد و این قشر نقش مهمی در ایجاد تقاضا برای بخش روستایی غیرکشاورزی ایفا می‌کند، ضرورت تأمین کالاهای عمومی (مانند زیربنای فیزیکی، آموزش و بهداشت و ...) به عنوان الزامات افزایش نرخ توسعه کشاورزی مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، عوامل رشد کشاورزی با عوامل رشد شهری تفاوت‌هایی دارد و به همین دلیل سیاستهای متفاوت و نیز حضور فعالتر بخش دولتی را می‌طلبد.

سرعت گرفتن توسعه کشاورزی تنها راه کاهش نابرابری سطوح درآمدی در مناطق شهری و روستایی است. اما این امر مستلزم تحقق نرخ بالای رشد کشاورزی و انتقال ضریب تکاثری پر قدرت آن به بخش روستایی غیرکشاورزی است. ایران به دلیل برخورداری از اراضی آبی مناسب برای تولید محصولات پرارزش، در جایگاه بسیار مناسبی برای تحقق چنین نرخ رشدی در بخش کشاورزی قرار دارد. اما برخی از ابعاد تفکر راهبردی و سیاستهای موجود الزاماً در جهت تسهیل تحقق کامل امکانات بالقوه کشور در افزایش درآمد کشاورزی و انتقال ضریب تکاثری آن به بخش روستایی غیرکشاورزی عمل نمی‌کند (همان). نقش کشاورزی به عنوان عامل اصلی فقرزدایی روز به روز تقویت می‌شود. نقش آن در فقرزدایی به موازات نقش آن در تامین امنیت غذایی است. در کشورهای کم‌درآمد خاور نزدیک، که اکثر جمعیت فقیر هستند و درآمد خود را به طور مستقیم از طریق بخش کشاورزی به دست می‌آورند یا به طور غیر مستقیم به آن وابسته‌اند، رشد کشاورزی می‌تواند به بهبود درآمد کشاورزان کمک نموده و سپس این درآمد به بخش‌های غیرکشاورزی که

جمعیت بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد و عمده تولیدات آن کاربر و تجاری است، تزریق گردیده و در نهایت به کاهش فقر کمک موثری نماید (احمد، 1382).

2-1- ضرورت تحقیق و بیان مسئله:

تنوع آب و هوایی کم‌نظیر کشور، وسعت اراضی قابل کشت، تنوع و میزان تولید محصولات کشاورزی استعداد این سرزمین جهت توسعه و رشد کشاورزی توجیه می‌کند (موسی‌نژاد، 1374). در ایران بخش‌های عمده اقتصاد را بخش‌های نفت و گاز، کشاورزی، خدمات و صنعت و معدن تشکیل می‌دهند. با وجودی که پس از انقلاب صنعتی و حذف تدریجی نظام سیاسی- اقتصادی فئودالیزم بخش صنعت و عامل سرمایه از اهمیت نسبی بیشتری در تولید برخوردار گردید، اما امروزه همچنان از این بخش به عنوان محور رشد و توسعه اقتصادی نام می‌برند. اگر چه در سده‌های اخیر گام‌هایی در توسعه صنعتی ایران برداشته شده است اما بخش کشاورزی به طور مستقیم و غیرمستقیم شاخه اصلی فعالیت‌های اقتصادی بسیاری از ساکنین کشور ما را تشکیل داده است. پس از انقلاب اسلامی، چه در برنامه اول، دوم و سوم و چه در برنامه چهارم همواره از کشاورزی به عنوان محور توسعه نام برده شده است (طهرانچیان، 1386).

بخش کشاورزی در سال 1380 در حدود 17 درصد تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت) حدود یک پنجم ارزش صادرات غیرنفتی، 20 درصد اشتغال، بالغ بر 85 درصد از عرضه غذا و بالغ بر 90 درصد مواد اولیه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی را به خود اختصاص داده است (حسن‌زاده، 1383). بر اساس آمار بانک کشاورزی، بخش کشاورزی در سال 1386 در حدود 13% تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت)، حدود یک پنجم ارزش صادرات غیر نفتی و 25% اشتغال را به خود اختصاص داده است، که کاهش سهم ارزش افزوده و اشتغال این بخش از کل اقتصاد نشان می‌دهد (بانک کشاورزی، 1386).

امروزه تصور اقتصادی بدون استفاده از ابزارهای سیاستگذاری و مداخله سیاست‌گذاران تقریباً امری غیرممکن به نظر می‌رسد. لذا آنچه اهمیت دارد کاهش هزینه‌های ناشی از سیاست‌ها و افزایش کارایی آنهاست (بیک‌زاده، 1384). لذا، به منظور انجام یک بررسی جامع لازم است تحولات درون بخشی در کنار توجه به مجموع سیاستهای اتخاذ شده برای تمامی بخشها یا سیاستهای کلان اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. برخی نیز بر این باورند که در شکل‌گیری تحولات بخش کشاورزی، تأثیر سیاستهای کلی اقتصاد بیش از تأثیر سیاستهای تدوین شده برای این بخش می‌باشد. از اینرو با توجه به اهمیت بخش کشاورزی، سیاستهای اقتصادی دولت در رابطه با این بخش نیز، از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار خواهد بود (مقدسی و یزدانی، 1379).

از سوی دیگر، بحث امنیت غذایی همواره در کشورهای در حال توسعه مطرح بوده است. لذا، دولت‌ها به منظور تأمین امنیت غذایی از یک سو از طریق اعمال سیاستهای کلان نظیر سیاستهای پولی، مالی، ارزی و تجاری و از سوی دیگر با بکارگیری سیاست خاص کشاورزی و غذایی و اعطای یارانه به نهاده‌های کشاورزی، با تأثیرگذاری بر روند قیمت و تولید این محصولات در اقتصاد مداخله می‌کنند (قطمیری و هراتی، 1382). سیاستهای پولی و مالی از مهمترین سیاستهای کلان اقتصادی می‌باشند که در رشد و توسعه اقتصادی نقش بسزایی ایفا می‌نمایند. دولت‌ها با ابزار سیاستهای پولی و مالی که در اختیار دارند بر جابجایی تقاضای کل اقتصاد تأثیر گذاشته و سبب ایجاد تغییرات مورد نظر در سرمایه‌گذاری، تولید و درآمد می‌گردند. سیاستهای پولی و مالی مجموعه تصمیمات و اقداماتی مقامات پولی و مالی کشور می‌باشند که با هدف تأثیرگذاری مجموعه فعالیت‌های اقتصادی کشور، اتخاذ و اجرا می‌گردد و هدف نهایی تصمیمات مقامات پولی و مالی نیل به اهداف اقتصاد ملی می‌باشد. آثار سیاستهای مختلف در اقتصاد ملی متفاوت بوده و مطالعه این آثار از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است. اهمیت کشاورزی در اقتصاد ایران از یک طرف و تأثیرگذاری سیاست‌های پولی و مالی از طرف دیگر باعث شده که چگونگی تأثیر این سیاستها مورد توجه قرار گیرد. هر کشوری جهت نیل به اهداف اقتصادی خود، با توجه به وضعیت

خاص اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برنامه ویژه‌ای را در چارچوب سیاست‌های اقتصادی اتخاذ می‌کند. سیاست پولی برای تعادل بازار پول، حفظ ارزش آن و فراهم نمودن شرایط ساده و مطمئن برای رشد مداوم اقتصادی جامعه بکار می‌رود. اهدافی که بطور خاص سیاست‌های پولی دنبال می‌کنند عبارتند از رونق، ثبات و رشد اقتصادی کشور و حفظ تعادل در تراز پرداخت‌های بین‌المللی است. سیاست‌های پولی از طریق تغییر در حجم پول، نرخ بهره و یا شرایط اعطای تسهیلات مالی انجام می‌گیرد. سیاست‌های مالی نیز از طریق اجرای برنامه‌های عمرانی و بودجه‌های سالیانه و درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی دولت بیان و اعمال می‌شوند (ساسولی و صالح، 1386).

قیمت محصولات کشاورزی به طور مستقیم از طریق سیاست‌های خاص بخش کشاورزی نظیر سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی و یا به طور غیرمستقیم از طریق سیاست‌های کلان تحت تاثیر قرار می‌گیرد. سیاست‌های مالی از طریق تغییرات یارانه یا مالیات بر مواد غذایی به طور مستقیم و از طریق پرداخت یارانه به نهاده کشاورزی به طور غیرمستقیم قیمت این بخش را تحت تاثیر قرار می‌دهند. همچنین، سیاست‌های اعتباری از طریق تغییرات هزینه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و سیاست‌های ارزی، که به منظور واقعی کردن نرخ ارز به مورد اجرا گذاشته می‌شوند، از طریق تاثیر بر قیمت واردات مواد خوراکی یا مواد اولیه مورد نیاز تولیدکنندگان، قیمت مواد خوراکی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند (قطمیری و هراتی، 1382). با این وجود بحث‌های زیادی در خصوص مکانیسم ارتباط‌های کلان اقتصادی وجود دارد، بطوری‌که گاردنر بیان می‌کند "اثرات متغیرهای اقتصاد کلان بر سطح قیمت و درآمد واقعی کشاورزی بخش کشاورزی، هنوز یک سوال مبهم و باز می‌باشد". نکته قابل توجه دیگر این است که در بیشتر اقتصادها، کشاورزی به عنوان یک منبع ناپایدار محسوب می‌شود. این دیدگاه بر اثرات وقایع اقتصاد کلان روی بخش کشاورزی تاکید می‌کند (علیخانی و پیکانی، 1384).

Knuston *et al.* (1998) و (2000) برای درک اهمیت ارتباط بین اقتصاد جهانی و کشاورزی به وجود دو کانال ارتباط اصلی اقتصاد بین‌الملل با کشاورزی پی‌بردند.

اولین کانال مربوط به بازار کالاهای بین‌المللی است که شرایط اقتصاد بین‌الملل بر تقاضا برای صادرات و عرضه واردات تاثیر می‌گذارد. دوم، به واسطه بازار سرمایه بین‌المللی است که تقاضا و عرضه سرمایه ملی، نرخ بهره و نرخ ارز را در صورت عدم مداخله دولت تغییر می‌دهند. سیاستهای پولی، مالی و نرخ ارز همانند سیاستهای تجاری نه تنها بر درآمد واقعی کشاورزان و روابط مربوط به دیگر بخشهای اقتصاد، بلکه همچنین بر تجارت بین بخشهای کشاورزی و غیرکشاورزی نیز تاثیر- گذار می‌باشد. مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان داخلی برای بخش کشاورزی عبارتند از نرخ تورم، نرخ واقعی رشد تولید ناخالص ملی، نرخ بهره و نرخ ارز (Letsalo and Kirsten, 2003).

لازمه شکل‌گیری یک بخش قوی در درازمدت، اتخاذ سیاستهای مناسب است. این سیاستها بدون شناسایی و تشخیص عوامل موثر و مهم نمی‌تواند عملی شود (خلیلیان و فرهادی، 1381). بانک مرکزی یکی از نهادهای سیاست‌گذاری در کشور است که سیاستهای آن از راههای گوناگون بر توزیع درآمد تاثیر می‌گذارد. سیاستهای مرتبط با نرخ ارز از طریق تغییر در قیمت نسبی، سبب تغییر در تخصیص منابع و در نتیجه تغییر در توزیع درآمد می‌شوند (داوودی، 1386). زیرا با کاهش ارزش پول ملی (افزایش نرخ ارز) قیمت نسبی کالای وارداتی افزایش خواهد یافت، لذا تمایل برای کالای داخلی و قیمت آن بالا رفته و درآمد بهبود پیدا خواهد کرد (Appleyard and Field, 1998). همچنین، سیاستهای پولی، توزیع درآمد را از طریق آثار تورمی متاثر می‌سازند. از اینرو، بانک مرکزی با اجرای سیاستهای پولی و ارزی می‌تواند تاثیر فراوانی بر توزیع درآمد داشته باشد (داوودی، 1386).

لذا، با توجه به نقش رشد کشاورزی در رشد اقتصادی کشور و نیز اهمیت نقش متغیرهای اقتصاد کلان در رشد این بخش، تجزیه و تحلیل ارتباط این متغیرها با درآمد بخش کشاورزی گامی مهم در جهت اتخاذ سیاستهای مناسب می‌باشد.

3-1- اهداف تحقیق:

با توجه به آنچه گفته شد اهداف مطالعه حاضر عبارتند از:


1. بررسی اثرات نرخ ارز واقعی بر درآمد بخش کشاورزی.
2. بررسی اثرات نرخ بهره بر درآمد بخش کشاورزی.

4-1- فرضیات تحقیق:

1. افزایش نرخ ارز منجر به افزایش درآمد بخش کشاورزی می‌شود.
2. کاهش نرخ بهره در کوتاه مدت و بلند مدت منجر به افزایش درآمد بخش کشاورزی می‌شود.

5-1- ساختار تحقیق:

فصل دوم این تحقیق، به بررسی مطالعات انجام شده پیرامون تاثیر متغیرهای اقتصاد کلان بر بخش کشاورزی در ایران و دیگر کشورهای جهان پرداخته است. مواد و روشها فصل سوم پایان نامه را تشکیل می‌دهد که در این فصل روشهای اقتصادسنجی استفاده شده تشریح می‌گردد. فصل چهارم، به بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها و مدل پرداخته و بالاخره، نتیجه‌گیری و پیشنهادات در فصل پنجم ارائه شده است.



فصل دوم
مروری بر مطالعات انجام شده

2-1- مقدمه:

این فصل به مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر بخش کشاورزی پرداخته است، در قسمت اول مطالعاتی که در خارج از کشور و سپس تحقیقاتی که در داخل کشور در این زمینه صورت گرفته، تشریح شده است.

2-2- مروری بر مطالعات خارجی:

اقتصاددانان کشاورزی برای رسیدن به توسعه در بخش کشاورزی و داشتن پیش‌بینی‌های درست و صحیح از متغیرهای تجاری و سایر متغیرها، باید توجه بیشتری به سیاست‌های پولی و مالی کنند (Schuh, 1976). زیرا بخش کشاورزی نه تنها تحت تاثیر سیاست‌های خاصی که برای آن طراحی شده است قرار دارد، بلکه اکثراً متغیرهای اقتصاد کلان همانند کسری بخش عمومی، تورم، نرخ بهره و نرخ ارز نیز بر آن اثر می‌گذارد (Stamoulis, 1995). در طول چند دهه گذشته، ماهیت ارتباط کشاورزی و اقتصاد عمومی مورد توجه قرار گرفته است. اما، متأسفانه هنوز ماهیت رابطه علیت میان کشاورزی و سایر متغیرهای اقتصاد کلان مبهم و نامعلوم می‌باشد. Van Duyne در سال 1979 و Hathaway در سال 1974 سیمایی از پیوندهای اقتصاد کلان با بخش کشاورزی را بیان کردند که بعدها به عنوان منشأ و منبع بی‌ثباتی در اقتصاد عمومی مطرح شد. اصولاً لازمه شکل‌گیری یک بخش قوی در درازمدت، اتخاذ سیاست‌های مناسب است. این سیاست‌ها بدون شناسایی و تشخیص عوامل موثر و مهم نمی‌تواند عملی شود. بنابراین، به منظور افزایش درآمد و تقویت بخش کشاورزی، بررسی و تعیین عوامل موثر بر آن امری ضروری است. تغییر در سیاست‌های